



معنا شناسی نبوت در سنت یهودی - مسیحی با تأکید بر توماس آکوئینی

علیرضا فاضلی

اشاره: توماس آکوئینی نبی را کسی می‌داند که از حقایق دور سخن می‌گوید. به رغم این تعریف همه جا نزد او نبوت پیوسته با پیشگویی است؛ رابطه یادشده را باید در سنت یهودی - مسیحی جستجو کرد. نوشتار حاضر در پی آن است که پیوستگی نبوت و پیشگویی را نزد توماس ترسیم نماید؛ پیوندی که چه بسا با دیدگاه مسلمانان در باب نبوت اختلاف بنیادین دارد.

کتاب ماه فلسفه

در عهد عتیق پیامبران با نام‌های «مرد خدا»، «رائی» و «نبی» خوانده شده‌اند، آن گونه که از بخشی از کتاب اول سموئیل برمی‌آید، واژه رائی متقدم بر نبی است.^۱

کلمه نبی در عبری متضمن معنای نماینده است یا کسی که از جانب دیگری سخن می‌گوید، که تا اندازه‌ای با رائی هم معنی است.^۲ در مورد ریشه این کلمه و در نتیجه معنای دقیق آن ابهام بسیاری وجود دارد و لغت شناسان به حدس‌هایی در مورد معنای اصلی آن اکتفا کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.^۳

قدیم‌ترین شاهد برای این واژه از متون ایلامی^۴ به دست می‌آید،^۵ به شکل «nabi'utum» که به نظر می‌رسد پایه‌ای برای نبی در عبری باشد.^۶ همچنین گویا در شهر امار^۷ الواحی یافت شده که در آنها لفظ نبی به عنوان پیشگوی خدایان به کار برده شده است.^۸ این در حالی است که در برخی منابع آمده معنای محتمل نبی، سخن گفتن و فاش کردن کلمات است.^۹ در مورد اشتقاق کلمه عبری درجایی دیگر معنای محوری با اطمینان نوعی ارتباط با خدا دانسته شده است؛ همچنین گفته شده است، اگر واژه شناسی در تعیین کامل مفهوم نبی راه به جایی نبرد، تاریخ انبیا در کتاب مقدس عملاً روشن می‌کند که او آورنده کلمات الهی به سوی دیگران است.^{۱۰}

در فرهنگ تفسیری کتاب مقدس، معنای فرضی خبر دادن و فراخواندن را برای ریشه عبری گمشده واژه نبی که پیوند با عربی و آکدی می‌خورد، در نظر می‌گیرد. که بنا به این فرض سؤالاتی از این قبیل قابل طرح می‌داند: آیا این خبرآور و یا صاحب خبر، خود مقصود خداست یا آن که او اولاً بالذات پذیرای آن خبر است؟ آیا پیامبر گیرنده خبر الهی است؟ در این حال آیا او همان است که فراخوانده شده است؟^{۱۱} در مدخل «prophecy» فرهنگ نوین کتاب مقدس ریشه نبی در زبان آکدی قابل تعقیب دانسته شده است که معنای آن مردد است بین کسی که خوانده شده است و کسی که مردمان را به نام خدا فرامی‌خواند؛ هر دوی این معانی با سرشت نبی آن چنان که در عهد عتیق آمده است، تناسب دارد و به نظر نویسندگان این مدخل به اطلاع کلام در این مورد احتیاجی نیست. همچنین این امکان را منتفی ندانسته است که معنای آن، کسی باشد که خدا را در نیایش می‌خواند.^{۱۲}

احتمال دیگر آن که واژه نبی به معنی سخن گفتن باشد و ربط واژه آکدی «nabu» داشته باشد که به معنای نوحه کردن است و یا ممکن است با نام یکی از خدایان بین‌النهرینی «Nabû» مربوط باشد که دست‌اندرکار کتابت و نوشتن پنداشته می‌شده است، و نگاشتن در میان انبیای عهد عتیق اهمیت ویژه‌ای دارد؛ همچنین امکان هم ریشه بودن نبی با نام کوه نبو نیز هست؛^{۱۳} و این نام کوهی است که بنا به روایت عهد عتیق موسی (ع) در آنجا از دنیا رفته است.^{۱۴}

همچنین گفته شده است، مادامی که سموئیل به نام رائی خوانده می‌شد، بخش برجسته‌ای از وظایف متنوع او، پیشگویی بود؛ در عبری اسمای متعددی برای پیشگویی وجود دارد، اما هیچ کدام از آنها برای نبوت به کار گرفته نشده است و به علاوه این کلمات برای رائی هم به ندرت استفاده شده‌اند؛ بنابراین به مثابه یک تبیین محتمل، کارکرد اختصاصی معنای اظهار کردن و اعلان کردن برای معنای اصلی نبی بهتر از پیشگویی است.^{۱۵}

گویا در ترجمه کتاب مقدس به لاتین ابتدا به جای واژه یونانی لفظ لاتینی «vates»^{۱۶} را نهادند که به معنای شاعر و متنبی و معلم و سید است. در امپراطوری روم به جای این لفظ، واژه «propheta» را نهادند.^{۱۷} در مورد این واژه در زبان یونانی چنین اظهار نظر شده است: واژه یونانی معنای رائی و عالی مقام و هذیان‌گو ندارد، بلکه کاملاً برعکس «prophetes» کسی است که در معابدی گماشته شده است که در آنها سروش‌ها^{۱۸} منتشر هستند، مثل دلفی و دودونا و فرستاده‌های ایشان تفسیر می‌شود و این تفسیر یعنی وضوح و اظهار کلمات و زمزمه‌های ساحره وقتی او در حال بی خودی است. آن گونه که تا امروز مشخص شده است، ساحره برای گرفتن پاسخ از سه پایه بالا می‌رفته است، این به خاطر آن بوده است که ساحره مستقیماً بر روی شکاف زمین قرار گیرد- گویا یکی از آنها هنوز در دلفی وجود دارد- که در زیر آن چشمه‌ای پنهان از آب معدنی می‌جوشید و گازهایی متصاعد می‌کرد که ساحره را نشئه می‌کرد. از این حفره الهام الهی، کلمات خدا بر می‌آمد؛ چیزی مثل اس‌اریس در زبان لاتین، سروش‌روزنه و یا ترک زمین بود که از طریق آن خدایان سَری سخن می‌گفتند، پس «proph- etes» شخص هشپاری بود، با حواس سالم که پیغام‌های غیر عقلانی را معنا می‌کرد، «prophetes» برای خود سخن نمی‌گفت،^{۱۹} بلکه پیام الهی را می‌رساند.^{۲۰}



ساموئل



در دائرة المعارف کاتولیک ترجمه این واژه نبی عبری را به «prophet» یونانی دقیق و درست می‌داند، چون این واژه یونانی را برگرفته از ریشه pro-phanai به معنی به نمایندگی از دیگری سخن گفتن معرفی می‌کند.^{۲۱} ملاحظه می‌شود در این دایرة المعارف ترجمه یونانی از کلمه عبری را دقیق می‌خواند، اما نه به خاطر دلالت آن بر پیشگویی، بلکه به سبب آنکه متضمن معنای نمایندگی است که به نظر می‌رسد معنای مشترکی باشد که در این تحقیق کارآمد باشد. در فرهنگ کاتولیکی دیگری همسو با گفته پیشین آمده است، تدقیق در واژه یونانی «προφήτης» خود اشاره به تعریف «prophet» دارد؛ به این شکل که او کسی است که سخن می‌گوید (φημί) از طرف دیگری (ὄρπ)، در مورد کنونی از جانب خدا.^{۲۲} تعریف نبی در عهد عتیق به شخصی که به نیابت خدای سخن می‌گوید، در عهد جدید تغییر نیافته است، به همین خاطر لفظ یونانی که به جای نبی برگزیده شد، افاده معنای کلام و قول و اخبار می‌کند.^{۲۳}

در عهد عتیق لفظ نبوت به معنای مختلفی آمده است؛ در مواضع متعددی نبوت به معنای پیشگویی آمده است. مثلاً در عاموس هنگامی که او مورد خطاب قرار می‌گیرد که برو و بر قوم من اسرائیل نبوت نما، دقیقاً منظور پیشگویی است.^{۲۴} همچنین است در سفر تثبیه که در نهی از شنیدن سخن نبی و بیننده خواب شده است.^{۲۵} مرحوم دکتر رامیار می‌گوید، انبیای بنی اسرائیل از راه پیشگویی^{۲۶} برای هدایت مردم اقدام می‌کردند به شکلی که نبوت به گونه‌ای حاکی از معنای پیشگویی است. همچنین می‌گوید در اعتقادات تلمودی پیشگویی و نبوت به معنی قدرت و اراده انسان در ابلاغ و تفسیر میل الهی است.^{۲۷} از جمله دیگر معنای نبوت خبر دادن از خدا که ملازم با مکشوف کردن سر یهوه است که آن چنان با عظمت است که نمی‌شود در مقابل آن نبوت نکرد.^{۲۸}

در برخی مواضع عهد عتیق آمده است که این نبوت می‌تواند دسته جمعی باشد در اثر فرود آمدن روح خدا^{۲۹} و یا به خاطر برگرفتن از روح خدایی که در موسی بوده است و بر ایشان نهادن.^{۳۰} در کتاب اول سموئیل، بر قاصدان شاؤل^{۳۱} که پادشاه بوده است، روح خدا فرود می‌آید^{۳۲} و ایشان همراه با جماعت انبیا به پیشوایی سموئیل، نبوت می‌کنند.^{۳۳} بر شاؤل نیز بدون آمادگی و استعداد، روح خدا فرود می‌آید و به مثابه نوعی بی خود شدن و جذب^{۳۴} و خلسه^{۳۵} جامه چاک می‌کند و یک شب و یک روز نبوت^{۳۶} می‌کند که گفتند «آیا شاؤل هم از جمله انبیاست؟»^{۳۷}^{۳۸}

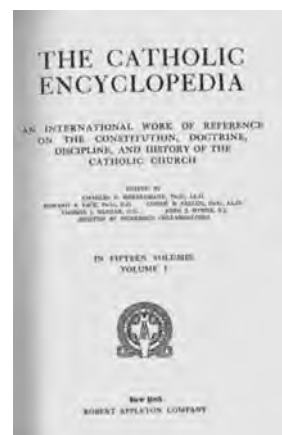
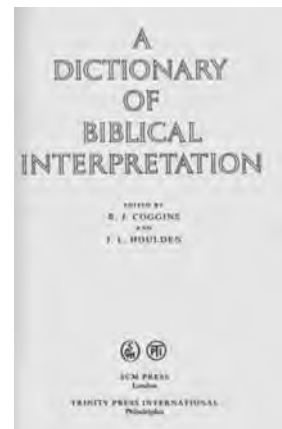
نبی می‌تواند عقل خویش از دست بدهد: «ایام عقوبت می‌آید. ایام مکافات می‌رسد و اسرائیل این را خواهند دانست. نبی احمق گردید و صاحب روح دیوانه شد، به سبب کثرت گناه و فراوانی بغض تو.»^{۳۹} برخی گفته‌اند که متون نبوی اسرائیلی حداقل به پنج دسته می‌توانند تقسیم شوند:
اول: گاه‌شماری غیب‌گوینان^{۴۰} مثل سخنانی که سموئیل به شاؤل در قسمت نهم کتاب اول سموئیل می‌گوید.^{۴۱}

دوم: گزارش دیداری^{۴۲} یعنی آنچه نبی از دیدار خود با خدا بیان می‌کند. در کتاب عاموس قسمت هفتم چنین چیزی آمده است. در آنجا خدا با شاقولی در دست برای عاموس نمودار می‌شود.^{۴۳} و اینکه نبی در ابتدا رائی خوانده شده به خاطر چنین دیدارهایی است. سوم: کلام پیامبرانه^{۴۴} و آن هنگامی است که سروش خدایی با پیامبر سخن می‌گوید. در این حال بیشتر سخنان منظوم است.

چهارم: بیان حکایت دیگر پیامبران^{۴۵} که تأکید بر قوت روحانی ایشان مثل مرده زنده کردن دارد. نمونه‌ای از آن در کتاب دوم پادشاهان قسمت ۸ فقره ۴ آمده است. پنجم: تاریخ نگاری^{۴۶} انبیا.^{۴۷}

بنا به گفته هاکس در قاموس کتاب مقدس، سموئیل مدرسی در رامه تأسیس کرده بود که شاگردان آن را پسران انبیا می‌نامیدند و مؤسسين آن را پیغمبران پدر یا سید. ظاهراً تمام اشخاصی که در آن مدارس تعلیم می‌یافتند، اختیار بر اخبار از مستقبلات نداشتند، بلکه این مطالب به اشخاصی اختصاص داشت که خداوند برحسب اقتضای وقت انتخاب می‌فرمود که حتی برخی از آنها مثل عاموس قبلاً تعلیمی نیافته بودند و در مدارس داخل نشده بودند.^{۴۸}

در عهد جدید نمونه‌هایی از نبوت آمده است. مثلاً یحیی معمدان نبی خوانده شده است و همه این را می‌دانستند.^{۴۹} عیسی هم در اناجیل نبی خوانده می‌شود. در انجیل یوحنا زنی که حسب حال خویش از عیسی می‌شنود، او را نبی می‌خواند.^{۵۰}



همچنین در عهد جدید، پولس در نامه اول به قرنتیان مخاطبان خویش را تحریض به نبوت کردن می‌کند و آن را بهتر از سخن گفتن به زبانهای مختلف می‌داند.^{۵۱} در این موضع پیشگویی صرف مد نظر نیست، بلکه مقصود چیزی شبیه تحت الهام الهی بودن است، در باب آنچه مخفی و پنهان است، خواه این امر خبری از آینده باشد و خواه نباشد.^{۵۲} پولس در نامه به رومیان نبوت برحسب ایمان را نعمتی می‌داند که به حسب فیضی است که به شخص داده شده است و همچنین خدمت خدمتگزاران، تعلیم معلمان، وعظ موعظه گران، بخشش سخاوتمندان، اجتهاد پیشوایان و استرحام به سرور نیز نعماتی هم ارز آن اند.^{۵۳}

غرض از نبوت را هاکس چنین می‌گوید: «قصد از بعثت انبیا این بود که مشیت حضرت الهی را اعلام کرده، شئون دینی را اصلاح نمایند...مخصوصاً قصد عمده و کلی انبیا اخبار از آمدن مسیح و خلاصی عالم بوده است و ایشان قوه فعاله و مؤثره ای بودند که قوم را به راه راست هدایت می‌نمودند.»^{۵۴}

نظر توماس آکوئینی

توماس در کتاب دوم از کتاب دوم جامع علم کلام پرسش ۱۷۱ هنگامی که می‌خواهد بستگی نبوت و دانش را نشان دهد، به واژه شناسی «prophetia» می‌پردازد؛ او می‌گوید، اگر این لفظ برگرفته از «phanos» به معنی ظهور و آشکارگی می‌باشد، انبیا آنهاهی هستند که اموری از دوردست بر ایشان ظاهر می‌شود؛ در عهد عتیق نبی، رایی خوانده می‌شده است، چون می‌دیده^{۵۵} آنچه دیگران نمی‌دیدند و می‌نگریسته است به اموری که پنهان در رازآلودگی اند. او سپس می‌گوید اگر در میان کفار^{۵۶} که منظورش غیر مسیحیان است، کسی به سبب قدرت ذهن چنین کند، «vates» نام می‌گیرد.

ملاحظه می‌شود که در این جا توماس هم‌ارزی این دو واژه را کاملاً نفی می‌کند. سخن گفتن و اعلان یافته‌های نبوی درجه دوم اهمیت را دارد،^{۵۷} و آن هنگامی است که نبی به دیگری می‌آموزد آنچه را خود از خدای آموخته است.^{۵۸} بنابراین او معنای محض واژه «prophetia» یا تعریف نبوت را چنین می‌داند: «گفتن از آن چیزی که دور است یا از پیش گفتن آن حقیقتی که در آینده خواهد آمد.»^{۵۹}

بخش اول این تعریف می‌تواند به معنای اظهار سر پنهان الهی گرفته شود؛ همچنین این معنی می‌تواند متضمن معنای نمایندگی که پیش از این گفته شد، باشد؛ یعنی نبی به طریقی از آنچه از مردمان دور است و به آن دسترسی ندارند، سخن می‌گوید. او نماینده ای است که حقایقی برای او نمایانده شده است و آن را برای دیگران بازگو می‌کند؛ و بخش دوم تعریف دلیل تأکید او بر پیشگویی و بحث دراز دامن در باب آن را روشن می‌کند.

در جای دیگر توماس موضوع نبوت را هر علمی می‌داند که برای نجات مفید باشد خواه مربوط به آینده باشد یا گذشته و یا حتی سرمدی و یا ضروری و یا محتمل؛^{۶۰} و هر آنچه متعلق به نجات نیست از دایره نبوت خارج است. با این حال کمی بعد از گریگوری نقل می‌کند: «نبوت بدین نام خوانده شده است، چون آینده را پیشگویی می‌کند هنگامی که [در آن] سخن از اکنون یا گذشته رود، خاصیت این نام را از دست خواهد داد.»^{۶۱}

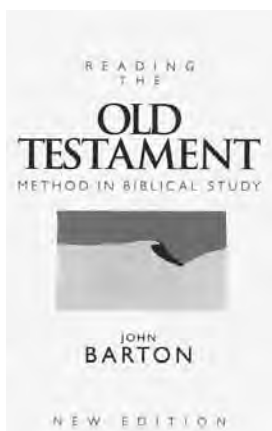
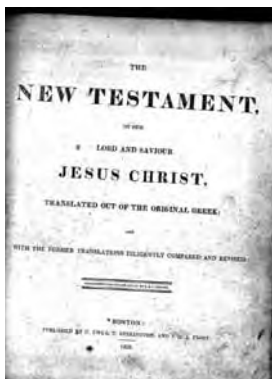
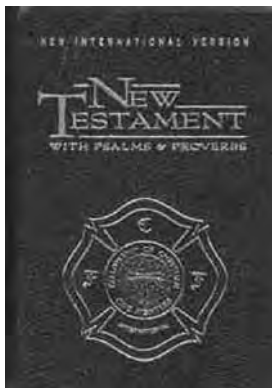
البته این نقل قول توماس در جایی است که او از پیشگویی به عنوان یکی از تعلقات نبوت که فراسوی دانش بشری است، سخن می‌گوید و در حقیقت تأکیدی بر اهمیت از پیش دیدن آینده محتمل است که به خاطر محقق نشدن آن در اکنون و متعین نشدن آن در علت خود، برتر از علوم برهانی است. لیکن او گرچه به همان تعریف نبوتی که پیشتر آورده شد، پابند است؛ اما کارکرد ویژه و نشانه بارز نبوت را از پیش گفتن آینده می‌داند.

لازم به ذکر است که توماس هم از نبوت به شکلی که در عهد عتیق آمده است، بحث می‌کند. هم آن را به مثابه عطیه روح القدس مطابق با عهد جدید لحاظ می‌کند.

نتیجه بحث

به هر حال گرچه نمی‌توان نبوت را در سنت یهودی- مسیحی دقیقاً برابر از پیش گفتن آینده دانست؛ اما پیشگویی پیوند وثیقی با واژه «prophecy» دارد؛ چنانکه در قاموس کتاب مقدس^{۶۲} نبوت را چنین تعریف می‌کند: «نبوت لفظی است که مقصود آن اخبار از خدا و امور دینی به تخصیص اخبار از امور آینده می‌باشد.»^{۶۳}

حتی در جنبه فلسفی بحث نیز این پیوند خود را نشان می‌دهد؛ شاهد آنکه در مدخل «prophecy» دائرة المعارف فلسفی استنفورد تماماً به بحث امکان از پیش دانستن آینده از منظر فیلسوفان مختلف پرداخته می‌شود و اینکه نبی چگونه به امور محتمل آینده آگاه می‌شود.^{۶۴} این معنا تا امروز نیز امتداد می‌یابد، به طوری که در انگلیسی امروز نیز غالباً از این لغت معنای پیشگویی فهمیده می‌شود.^{۶۵} در زندگی سکولار روزگار جدید «prophet» برای مثال سیاستمدار آینده نگری است که نشانه‌های دوران را بخواند و آینده را از روی آنها پیش بینی کند.^{۶۶} معلوم



است که این پیشگویی در روزگار جدید لزوماً افاده معنای سنتی آن را که رازآلود و رمزآمیز بوده است، نمی‌کند؛ چنانکه در روانشناسی امروزی که علی‌القاعده باید بی‌اعتنا به پیشگویی به معنای سنتی آن باشد؛ اصطلاحی وجود دارد، به نام «self fulfilling prophecy» به معنای پیشگویی کامبخش، که اخیراً بسیار به آن توجه می‌شود و این اعتنا را می‌توان از تعدد مقالات نمایه شده بین‌المللی در این مورد فهمید.

منابع و مأخذ

۱. بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، محمود رامیار، بی‌جا، بی‌نا.
۲. کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس ایران، منبع اینترنتی: <http://www.dota.net/farsi>
۳. النبوة فی ادیان الکتابیة، احمد مشرقی، تونس: المركز القومي للبيداغوجی.
۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۵. نبوءات مرکز عرافه دلفی و اسباب غموضها، محمد محمد حسن وهبه، بی‌جا، مکتبه سعید رأفت جامعه عین الشمس.
۶. مستر قاموس کتاب مقدس، هاکس، تهران: انتشارات اساطیر.
7. Aquinas, Thomas (1947), Summa Theologica, Translated by Fathers of England Dominican, Benziger Bros edition [Source: <http://www.ccel.org/ccel/aquinas/summa.html>].
8. Aquinas, Thomas (1994), Truth [Quaestiones disputatae de veritate English], Volume II Questions X-XX, Translated by James V. McGlynn, Indianapolis, Indiana: Hackett Publishing Company.
9. Handford, S. A. & Mary Herberg (1966), Langenscheidt Latin Dictionary, Berlin: Langenscheidt.
10. Hvidt, Niels Christian (2007), Christian prophecy: the post-biblical tradition, New York: Oxford University Press.
11. Jewish Encyclopedia (1901), v10.
12. Nasr, Seyyed Hossein (2006), Islamic philosophy from its origin to the present: philosophy in the land of prophecy, Albany: State University of New York Press.
13. New Bible Dictionary (1967), organizing Editor J. D. Douglas, London: The International versing fellowship.
14. New Catholic Encyclopedia (2003), Washington.
15. Noegel, Scott B. & Brannomn Wheeler (2002), Historical Dictionary of prophets in Islam and Judaism, Lanham Maryland: The Scarecrow press.
16. Ortega y Gasset, José (1984), Historical Reason, Translated by Philip W. Silver, New York: W.W.Norton & company.
17. Petersen, David L. (2000), Defining Prophecy and Prophetic Literature, in: Prophecy in its ancient Near Eastern context: Mesopotamian, Biblical, and Arabian perspectives, edited by Martti Nissinen, Atlanta: Society of Biblical Literature.
18. The Catholic Encyclopedia (1913), Published by Encyclopedia Press [Source: <http://oce.catholic.com>]
19. The Interpreter's Dictionary of the Bible (1962).

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب اول سموئیل، ۹:۹.
2. Jewish Encyclopedia, 1901, v10, p213.
۳. در برخی از منابع کلمه *navi* برآمده از لفظ *niv* دانسته شده است که به معنای ثمره لبها می‌باشد. این معنی تأکیدی

بر نقش پیامبر به عنوان سخنگو می باشد. همچنین در برخی منابع دیگر ریشه قدیمی نبی در عبری را به Nevi'im برمی گرداند که از ریشه nuv است و معنای این واژه را از فرهنگ کامل عبری به انگلیسی، شکوفا شدن و نمر داشتن نقل می کند.

۴. ایلا یا عبیل منطقه ای در سوریه ۵۳ کیلومتری جنوب حلب است که بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ حفاری های باستانشناسی در آنجا انجام شد و چند هزار سند به دست آمده که مربوط به ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد است و برخی از آنها مربوط به فنون پیشگویی است. زبان منسوخ این اسناد زبان ایلائی از رده زبانهای سامی و حامی است و با عبری هم خانواده است. (Noegel & Wheeler 2002, p94)

5. Noegel & Wheeler 2002, p258.

6. Ibid, 264.

۷. شهری باستانی در جنب رود فرات در سوریه که دهه هفتاد میلادی کاوش شد. (Noegel & Wheeler 2002, p102)

8. Ibid, 103.

p477. The Catholic Encyclopedia, 1913, V12 9.

p7640. New Catholic Encyclopedia, 2003, V1

The Interpreter's Dictionary of the Bible, 1962, V3p897. 11.

12. New Bible Dictionary, 1967, p1037.

13. Noegel & Wheeler 2002, p264.

۱۳. سفر تثبیه، ۳۴: ۱.

15. Jewish Encyclopedia, 1901, v10 p213.

۱۶. در فرهنگ لاتین به انگلیسی چنین آمده است:

Vātēs: soothsayer, diviner, seer, prophet; singer, bard, poet (Handford & Herberg, 1966, p337)

بنابراین باید معانی آوازه خوان و طالع بین به آنچه مشرقی گفت، اضافه شود (1966, p337)

۱۷. النبوة فی ادیان الکتبیه، ص ۱۶.

18. oracle.

۱۹. برای واژه شناسی لغات مختلفی که در یونانی دلالت بر نبوات می کردند رجوع بفرمایید: نبوات مرکز عرفانه دلفی و اسباب غموضها، صص ۱۹ - ۲۱.

20. Ortega, 1984, p50.

21. The Catholic Encyclopedia, 1913, V12, p477.

22. New Catholic Encyclopedia, 2003, V11 p764.

۲۳. النبوة فی ادیان الکتبیه، ص ۱۵.

۲۴. عاموس، ۷: ۱۷.

۲۵. تثبیه، ۱۳: ۱-۶

۲۶. برای نمونه ای از این پیشگویی ها ر.ک: بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، صص ۶-۸.

۲۷. بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، ص ۵.

۲۸. زیرا خداوند یهوه کاری نمی کند جز اینکه سر خویش را به بندگان خود انبیا مکشوف می سازد. شیر غرش کرده است: کیست که نترسد؟ خداوند یهوه تکلم نموده است؛ کیست که نبوت نماید؟ (عاموس، ۳: ۷ و ۸)

۲۹. اول سموئیل، ۱۰: ۶.

۳۰. سفر اعداد، ۱۱: ۲۵.

۳۱. شائول که نام او در عهد عتیق آمده است، گویا همان طالوت است که در قرآن کریم سوره مبارکه بقره آیات ۲۴۷ و ۲۴۹ نام او آمده است (ر.ک: التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، صص ۱۰۲-۱۰۳).

۳۲. مرحوم دکتر رامیار نزول روح خدا در فرآیند حصول وحی را دلیلی بر واسطگی نبی و پیغام آوری او از یهوه می دانند (بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، ص ۱۳).

۳۳. اول سموئیل، ۱۹: ۲۴.

34. frenzy.

35. ecstatic.

۳۶. گفته اند مراد از نبوت در اینجا خواندن سرودهای دینی بوده است (مشرقی، ۱۴۱۹، ص ۱۳).
 ۳۷. «Is Saul also among the prophets?» این جمله به صورت ضرب المثلی بر گرفته از کتاب مقدس درآمده است و منظور از آن شخصی است که بدون خیره گی و زبده گی خود را درگیر امری می کند.
 ۳۸. اول سموئیل، ۱۹: ۲۴ و ۱۰: ۱۲ و ۱۳.
 ۳۹. هوشع، ۹: ۷.

40. divinatory chronicle.

۴۱. اول سموئیل، ۹: ۲۱.

42. vision report

۴۳. عاموس، ۸: ۷

44. prophetic speech.

45. prophetic legenda.

Historiography. 46. prophetic

47. Petersen, 2000, pp 41- 42

۴۸. مستر قاموس کتاب مقدس، ۸۷۳.

۴۹. متی، ۲۱: ۲۶.

۵۰. یوحنا، ۴: ۲۰.

۵۱. اول قرنتیان، ۱۴: ۵.

p477 52. The Catholic Encyclopedia, 1913, V12

۵۲. رومیان: ۶-۸.

۵۳. مستر قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳.

۵۵. البته چنانکه توماس در جستجوهای مدلل در باب حقیقت می گوید، هر دیدنی نبوت نیست بلکه دیدن آنچه دور است و فراسوی ادراک متعارف بشری است، می تواند نبوت باشد. او سپس می افزاید نبی نه تنها کسی است که از دور با او سخن می گویند (procul fans) و او آن را اعلان می کند؛ بلکه آن کسی است که دور را مشاهده می کند (procul videns).
 ۵۶. (Aquinas, 1994, QDV Q12 a1, p105). این تأکید توماس بر دیدن و سخن گفتن از آنچه دور است خود نشانه ای است از این که در نظر او نبی قرب به مبادی الهی نمی یابد، بلکه از دور علمی به او القا می شود و این موضع افتراق او با دیدگاهی است که نبی را اقرب مردمان به خدا می داند.

56. gentilitas.

۵۷. قابل ذکر آنکه برای توماس در این قسمت رد کسانی که نبوت را تنها سخن گویی می دانند و سهمی از دانش و علم برای آن قائل نیستند، درجه اول اهمیت را دارد.
 ۵۸. در اینجا توماس به این قسمت کتاب اشعیا استناد می کند: "آنچه از بیهوش صباوت خدای اسرائیل شنیدم به شما اعلام می نمایم." (اشعیا، ۲۱: ۱۰)

ST II II Q171 a1, p2521. 59. Aquinas, 1947

۶۰. sive sint praeterita, sive praesentia sive futura, sive etiam aeterna, sive necessaria, sive contingantia.

61. Aquinas, 1994, QDV Q12 a2, p112.

۶۲. در سایر منابع نیز چنین عباراتی یافت می شود. اما این قاموس به لحاظ فارسی بودن ترجیح داده شد.

۶۳. مستر قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳.

۶۴. در این مدخل آمده است، آنچه از نبوت مورد علاقه فیلسوفان است خبرآوری از آینده است و روی این متمرکز می شوند که از آینده چگونه می توان خبر داد و این چگونه با اراده آزاد انسان همخوان است. رجوع بفرمایید به این وبگاه:

entries/prophecy/#1/ http:// plato.stanford.edu

۶۵. شاید به خاطر اینکه در جامعه انگلیسی زبان آنچه به ذهن از «prophecy» متبادر می شود، نوعی پیشگویی آینده است، دکتر نصر در ابتدای کتاب فلسفه اسلامی از خاستگاهش تا اکنون: فلسفه در سرزمین نبوت توضیح می دهند مراد از «prophecy» پیام آوری است از طرف موجود اعلی به مادون برای یک اجتماع انسانی (Nasr, 2006, p1).

66. Hvidt, 2007, p8.